

طلسم و تعویذ

(نزد اقوام شرق باستان)

مصر

نارول انروز

ترجمه

دکتر رقیه بهزادی



انشارات طهری

سرشناسه	: اندروز، کارول ا. آر.
عنوان و نام پدیدآور	: Andrews, Carol (Carol A. R).
مشخصات نشر	: طلسم و تعویذ (نزد اقوام شرق باستان) مصر کارول اندروز؛ ترجمه رقیه بهزادی.
مشخصات ظاهری	: تهران: طهوری، ۱۳۹۶.
شابک	: 978-600-5911-42-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Amulets of ancient Egypt, 1994.
عنوان دیگر	: طلسم و تعویذ (نزد اقوام شرق باستان).
موضوع	: نظر قربانی مصری
موضوع	: Amulets, Egyptian
موضوع	: مصر -- آثار تاریخی
موضوع	: Egypt -- Antiquities
شناسه افزوده	: بهزادی رقیه، مترجم
رده بندی کنگره	: ۹۵۰۰۸۰۰۶۲ DT/ن
رده بندی دیویی	: ۹۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۸۰۱۹۲

این کتاب ترجمای است از

AMULETS OF ANCIENT EGYPT
Carol Andrews



انتشارات طهوری

شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۱

تلفن: ۶۶۴۰۶۳۳۰ - فکس ۶۶۴۸۰۰۱۸

طلسم و تعویذ

کارول اندروز

ترجمه دکتر رقیه بهزادی

چاپ اول، ۱۳۹۶

۳۳۰ نسخه

ناظر فنی چاپ: بهروز مستان

کلیه حقوق چاپ و انتشار برای انتشارات طهوری محفوظ است.

۳۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۹	مقدمه دکتر ارج دانشی
۱۷	فصل اول: مقدماتی، گیاه بر طلسم‌های مصری
۳۵	فصل دوم: تعویذهای ایزد، ایزد-بانوان و جانوران مقدس
۳۹	خدایان نرینه آدم‌سان
۴۷	ایزد-بانوان آدم‌سان
۵۹	ایزدان نرینه با سر جانوران و ایزدان جانور-سر
۷۷	ایزد-بانوان جانورسان و جانور-سر
۸۵	فصل سوم: تعویذهای حفاظت و نفرت
۸۵	صورت‌های جاندار
۹۹	گونه‌های فاقد حیات
۱۱۵	حفاظت اوزیرسی
۱۲۷	فصل چهارم: سوسک برای زندگان و سوسک‌های تدفینی
۱۳۱	سوسک‌ها و سرگین غلطان‌ها
۱۴۲	سوسک‌های قلبی شکل
۱۴۷	سوسک‌های تدفینی
۱۴۹	فصل پنجم: تعویذهای همگون
۱۵۰	بزکوهی، غزال آفریقایی، غزال، مرال
۱۵۱	نره‌گاو، ورزاو، اخته‌گاو

۱۵۴	 ماده گاو
۱۵۵	 سنگ
۱۵۶	 مگس
۱۵۸	 غوک / وزغ
۱۶۳	 خرگوش صحرائی
۱۶۵	 زور
۱۶۶	 اسب آبی
۱۶۷	 شیر بر / ماده شیر
۱۷۱	 سوسمار / رمول
۱۷۲	 ملخ / آخوند
۱۷۲	 بوزینه (میمون سیه جراب ریشرق آفریقا) بیون بدون یال
۱۷۴	 تیلایا Tilapia یا بولتی Lalti
۱۷۵	 با Ba
۱۷۷	 کا Ka
۱۷۷	 مومیایی
۱۷۸	 بخش هایی از بدن آدمی
۱۷۹	 چهره
۱۷۹	 چشم
۱۸۰	 گوش
۱۸۱	 زبان
۱۸۱	 دست / مشت
۱۸۲	 بازو با مشت
۱۸۲	 آلت نرینه
۱۸۲	 ران با پا
۱۸۳	 دل / قلب
۱۸۹	 فصل ششم: طلسم های قدرت
۱۸۹	 قدرت های سلطنتی و خدایی

۲۰۸	ابزارهای آیینی
۲۱۱	حالات و شرایط
۲۱۸	نیروهای کیهانی
۲۲۳	فصل هفتم: تعویذهای اهدایی، مالکیت و ثروت
۲۱۴	اهدایی‌های تدفینی
۲۳۲	مالکیت
۲۳۹	ثروت‌های تدفینی
۲۴۱	فصل هشتم: کار-ماده‌ها و نمادگرایی آن‌ها
۲۵۹	پیراهن‌ها
۲۶۱	فهرست ناہنگاں
۲۶۷	فهرست اعلام

مقدمه

اعمال خارق‌العاده مؤثر دانستن برخی اشیاء، اشکال، اصوات، الفاظ، حرکات، نوشیدن آب، خوردن‌ها و بخورات را در ایجاد یا انتقال نیرویی برای تغییر یا مهار در اختیار گرفتن رویدادها و دیگر امور طبیعی، سحر یا جادو می‌نامند. سحر از این‌ها نیز جداگانه برای خود نامی دارند، همانند: طلسم، تعویذ، حرا، رقی، افسون، مترا، یترا و غیره. در مطالعه ادیان و سنن الهی و بشری گه‌گاه با چنین اموری مواجه می‌شویم. جامعه‌شناسان جادو را امری غیرمعقول و متناقض به ادوار نخستین و ماقبل علمی می‌دانند. اسلام به عنوان یک دین الهی، به آن حمزی به نام سحر و جادو را نفی نمی‌کند، لیکن مؤکداً آن را حرام می‌شمارد. مسلمانان را از پرداختن بدان نهی می‌کند. به همین دلیل مسلمانان هیچ‌گاه به بهره‌از سحر و ساحری یا چیزهایی مشابه آن اعتقادی ندارند. در خصوص واقعیت سحر و جادو هم میان علما اختلاف است. برخی علمای اهل سنت و جماعت سحر و جادو را واقعی می‌شمارند ولی اغلب علمای شیعه واقعیت آن را مورد تردید قرار داده‌اند و اعتقاد بدان را اعتقاد به خرافه می‌دانند.

در قرآن کریم بارها به موضوع سحر و جادو اشاره شده است.

همانند آنچه در سوره مبارکه بقره آمده و به کفر شیاطین یا همان جن اشاره‌ای صریح می‌شود که به مردم سحر و آنچه به دو فرشته‌ای که در بابل نازل شده بود، می‌آموختند. «و پیروی کردند سخنانی را که (دیوان و) شیاطین در مُلک سلیمان (به افسون و جادوگری) می‌خواندند، و هرگز سلیمان (با به کار بردن سحر به خدا) کافر نگشت و لکن شیاطین کافر شدند که سحر به مردم می‌آموختند، و آنچه را که بر دو فرشته هاروت و رویت در بابل نازل شده بود پیروی کردند، در صورتی که آن دو مُلک به هیچ‌کس چیزی نمی‌آموختند مگر آن‌که بدو می‌گفتند که کار ما فتنه و امتحان است، مالا کاف شوی! اما مردم از آن دو ملک چیزی را که ما بین زن و شوهر جادو می‌کنند، می‌آموختند، البته به کسی زیان نمی‌رسانیدند مگر آن‌که خدا بخوسد، و پیروز، که می‌آموختند به خلق زیان می‌رسانید و سود نمی‌بخشید، و محققاً می‌دانستند که هرکس چنین کند در عالم آخرت هرگز بهره‌ای نخواهد یافت، و آنان به همتای خود را فروختند، اگر می‌دانستند.» (بقره: ۱۰۲).

همچنین نباید آنچه معجزه انبیا یا کرامت را یا خوانده می‌شود با سحر و جادو یکی گرفت: همانند قصه حضرت سلیمان نبی (ع) و آموختن علم الهی برای تصرف در برخی قوای طبیعی مانند باد و همچنین به خدمت گرفتن جن - موجوداتی مخلوق از آتش - نیز سخن گفتن با پرندگان (منطق الطیر)، در کیش یهود سلیمان (ع) پیامبر با شکر نمی‌آید بلکه پادشاهی است دارای قوای مابعدالطبیعی؛ اما در اسلام او به عنوان یک پیامبر شناخته می‌شود که همه اعمالش به اذن خداوند متعال صورت گرفته است. برخی اطرافیان او نیز دارای چنین قوایی هستند. در قرآن کریم از یکی از این اطرافیان به عنوان «کسی که نزد او علم کتاب است» یاد شده است. در قصص قرآن ما بارها شاهد رویداد معجزات الهی توسط پیامبران هستیم: از شکافتن دریا به دست حضرت موسی (ع) تا

ساختن مرغی از گِل و جان دادن بدو به دست حضرت عیسی (ع). کفار همواره اعمال انبیا را به سحر تعبیر کرده‌اند و قرآن کریم هم این تعبیر آن‌ها را مردود دانسته است.

حرمت سحر و جادو هرچند مانع از استفاده از آن شده است، لیکن به عنوان یک موضوع بعضاً مورد مطالعه برخی دانشمندان و حکما قرار گرفته است. برای مثال در دوره صفویه دو تن از علمای بزرگ آن عصر شیخ بهایی و میرفندرسکی در این باب مطالعاتی داشته‌اند و آثاری نیز از ایشان به جای مانده است. داستان‌هایی که حول شخصیت این دانشمندان در میان عوام شکل گرفته و نقل می‌شود گاه حاکی از بهره‌مندی این شخصیت‌ها از توانایی‌های محیرالعقول است. در برخی منابع همانند *جواهرالمعجم* حررازی و *نفائس الفنون* شمس‌الدین آملی که چیزی شبیه *دائرةالمعرف*ی امروزی هستند، توضیحاتی اندک درباره سحر و جادو داده شده است.

بسیاری از مردم به دلیل سبب بودن اعمال ساحری و جادوی، و احتمال مؤثر بودن آن‌ها در زندگی‌شان، نسبت به‌دان‌ها کنجکاوند و مع‌الاسف کتاب‌هایی روشنگرانه در این باب که بت‌اند هم عطش این دانستن را فروشانند و هم دلایل نهی و حرمت این اعمال را برایشان توضیح دهد، در دست نیست. به نظر می‌آید کوششی از سوی صاحب‌نظران و دانشمندان کشور برای تبیین کیفیت این مسائل و حرمت آن‌ها، ضرورت دارد.

سحر و جادو در اسلام به حدی نکوهیده و مذموم است که پیشوایان دین آن را قرین و همتای شرک دانسته‌اند. با توجه به این‌که شرک تنها گناهی است که بخشوده نمی‌شود، می‌توان به نهایت ناپسندی عمل جادوگری و سحر پی برد. در مجلد سیزدهم *مستدرک الوسائل* صفحه ۱۰۶ حدیثی با سلسله‌ای از اسناد از رسول خدا (ص) نقل شده است که:

«شخصی به نزد ایشان رفت و گفت ای پیامبر خدا، مرا همسری است که او را بسیار دوست دارم و جادویی ساخته‌ام که او را به خود علاقه‌مندتر کنم. پیامبر فرمودند وای بر تو، که بر دین خود کافر شدی و فرشتگان برگزیده و فرشتگان آسمان و فرشتگان زمین تو را لعنت کردند...». با همین اسناد از پیامبر گرامی نقل شده است که: «... إن الشُّرک و السَّحَر طیران مَقْرَبان» یعنی همانا شرک و سحر همانند دو بال پرنده، همتای یکدیگرند. همچنین از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده: «هنگامی که دو مرد عادل شهادت دهند بر اینکه مردی از مسلمانان ساحری کرده او کشته می‌شود و سحر هماره کفر است» (مستدرک الوسائل ۱۳: ۱۰۷). در مجلد هفدهم وسائل الشیعه صفحه ۴۴ نیز حدیثی نقل شده که در آن رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «جادوگر مسلمانی کشته می‌شود و جادوگر کافر نه! گفتند: ای پیامبر خدا برای چه جادوگر کافر کشته نمی‌شود؟ فرمود: که شرک بزرگ‌تر از جادوگری است با این که - سحرگری و شرک همسان همد. بدین معنی که چه فردی مشرک باشد و چه جادوگر و ساحر، هر دو یکی است. همچنین آمده است که: «توبه جادوگر این است که گره بگشاید و گره نزنند.» (همانجا: ۱۴۷). از پیامبر خدا نقل شده است که «سه گروه به بهشت نمی‌روند: کسی که پیوسته شراب می‌نوشد، کسی که همواره به جادوگری می‌پردازد و کسی که صله رحم را قطع کند.» (همانجا: ۱۴۸). از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که «هرکس چیزی را جادوگری را بیاموزد، چه کم چه بسیار، همانا کافر شده و عهد او به پروردگارش به پایان رسیده و کیفرش آن است که کشته شود مگر آن که توبه کند.» (همانجا). حضرت علی بن الحسین (ع) فرموده‌اند: «خداوند ما اهل بیت را از این که از فتنه‌گران یا از دروغگویان یا از جادوگران یا از زناکاران باشیم، بازداشته است، پس هر که در او چیزی از این خصائل باشد از ما نیست و ما با او نیستیم.» (همانجا). علامه قطب‌الدین راوندی در لب‌الباب از قول

پیامبر خدا نقل کرده است که «خدای تعالی در لیلۃ المبارکة بر بسیاری از گناه کاران امت من رحم آوردند، مگر هشت کس را: کسی که به خدا شرک می‌ورزید، کسی که پیش‌گویی و اختربینی می‌کرد، کسی که جادوگری و ساحری می‌کرد، کسی که توسط پدر و مادر عاق شده بود و رب‌اخوار و شر‌ابخوار و زناکار و کسی که به حلال و حرام پای‌بند نبود.» (مسند بکر الوسائل ۱۳: ۱۰۹).

این روایات و روایت‌های مشابه آن‌ها بی‌درنگ و گمان بر حرمت سحر و نهی از آن تأکید دارند. اما از سویی روایتی داریم از حضرت رسول ماکرم (ص) که فرموده‌اند: «إِنَّ مِنَ الْبَيِّنَاتِ لِسِحْرًا» (بحار الأنوار ۵۶: ۲۷۸). در این روایت، سحر و سخن به گونه‌ای سحر خوانده شده است. اهل ادب در این مقام از آن به سحر حلال تعبیر می‌کنند. سخن و سرود از حیث آن‌که چیز پنهانی را آشکار می‌کند جادو خوانده شده است. علامه مجلسی در توضیح این مطلب، مؤانزاید: سخن به دو وجه سحر خوانده شده، نخست به دلیل تصرف در ظرافت آن‌که موجب کشش دل‌ها به سوی خود می‌شود، نه آن‌گونه که گمان رده‌اند، دوم برای توانایی بیان در نیکو نمایاندن آنچه ناپسند است و پست نمایاندن آنچه نیکو و پسندیده است، از این حیث به سحر و جادو مانند شده است. (همان‌جا). توضیحات علامه مجلسی در ادامه این بخش برای تفهیم انواع سحر، رغبت بسیاری را برای مطالعه برمی‌انگیزد. وی در پاسخ به این پرسش که آیا سحر حرام است یا حلال روایتی را از پیامبر اکرم (ص) می‌آورد با این مضمون که هر کس به پیشگو و خبردهنده از آینده و گذشته مراجعه و گفتار آن‌ها را تصدیق کند به آنچه بر رسول اکرم نازل شده، کافر شده است. هرچند مجلسی همه انواع سحر را حرام نمی‌داند. (همان‌جا: ۳۰۰).

علامه طباطبایی (ره) در اثر منیع تفسیر المیزان در بحثی فلسفی، برخی از این‌گونه اعمال را دارای اسبابی می‌داند که سببیت آن‌ها بر مردم

پوشیده و ناشناخته است و برخی دیگر را مستند به اسباب عادی و طبیعی نمی‌داند. هرچند این ناشناختگی باعث انکار وقوع این امور نیست.

مجموعه علوم را که به مبحث سحر، جادو، طلسم و تعویذ و امثال آن‌ها می‌پردازد، علوم غریبه می‌گویند. طبق تقسیم‌بندی حکمای مسلمان این علوم به پنج قسم هستند:

۱. کیمیا: کیفیت تبدیل صورت یک عنصر به عنصر دیگر.

۲. لیمیا: اتصال قوای ارادی با ارواح عالی حاکم بر ستارگان، یا موکلین حوالت. یا تسخیر اجنه و تأثیر بر سایر امور.

۳. هیریا: ترتیب قوای عالم بالا با عناصر عالم مادی بر اساس رابطه سلسله مراتبی هستی در موجب تأثیرات عجیب می‌شود. به این علم، علم طلسمات نیز می‌گویند.

۴. سیمیا: هماهنگی آوای اادی و قوای مخصوص مادی برای دستیابی به نیروی تصرف در خیال و دین.

۵. ریمیا: یا شعبده، بر اثر استفاده خاص از قوای مادی به نحوی که از ادراک دیگران دور بماند یا ادراک آن‌ها را به خطا اندازد.

چنانچه حروف نخستین این نام‌ها را ردیف کنیم جمله «کُلّه سِر» یعنی همه آن از اسرار است به دست می‌آید. ظاهر آن جمله، نام کتابی بوده که شیخ بهایی آن را در هرات دیده است. از دیگر علوم شانه علم اوفاق و اعداد است که با قرار گرفتن در جداول هندسی فراموشی خاص می‌رساند. همچنین علم خافیه که در آن با شکستن حروف اسماء فرشتگان و شیاطین یا اجنه موکل بر هر امری را به خدمت می‌گیرند.

در اطیب البیان فی تفسیر القرآن در تعریف سحر از منظر بزرگان دین آمده: «... در معنی سحر و حقیقت آن کلمات علما و محققین مانند علامه و فخرالمحققین و شهیدین و فاضل مقداد و مجلسی قدس اسرارهم مختلف است، و در معنی آن به حسب لغت بعضی گفتند: ما لطف مأخذه و دق،

مأخذ آن بسیار دقیق و باریک است و بعضی گفتند: صرف الشیء عن وجهه، و بعضی به معنی خدعه و تزویر و بعضی به معنی اخراج باطل به صورت حق دانسته‌اند...» (ج ۲: ۱۲۹)

علامه طباطبایی می‌فرماید سحر هم مانند معجزه از یک مبدأ نفسانی در ساحر است، برای این که در سحر نیز مسأله اذن آمده، معلوم می‌شود در خود ساحر چیزی هست، که اگر اذن خدا باشد به صورت سحر ظاهر می‌شود. کلام خدای تعالی اشاره دارد به این که تمامی امور خارق‌العاده، چه سحر، و چه معجزه، و چه غیر آن مانند کرامت‌های اولیاء و سایر غایتی که با ریاضت و مجاهده به دست می‌آید، همه مستند به قدرت الهی و مقتضیاتی ارادی است، چنان که کلام خدای تعالی تصریح دارد به این که آن مبدایی است مافوق تمامی اسباب ظاهری و غالب بر آنها در همه احوال.



مصر به عنوان یکی از تمدن‌های کهن، سرزمین اسرار و عجایب است. هر جا که پژوهشگران غربی نتوانستند حقیقت امری را در مورد آثار تمدن‌های گذشته - به‌ویژه شرقی - تبیین کنند به سوی تخیل گراییده‌اند و داستان‌هایی جذاب با ظاهری علمی ساخته‌اند. شاید در میان خوانندگان این اثر کمتر کسی است که نام اریک فون دانیکن را نشنیده باشد. کتاب *ارابه خدایان* وی با مستندهایی که درباره آثار به بین امریکا ساخته است بیش از آن که پژوهشی علمی باشد تخیلاتی جذاب هستند که به خوبی مخاطب را مسحور می‌کند. در مورد مصر نیز وضعیت بهتر از این نیست. هر چند مصرپژوهی دانشی در حال پیشرفت است لیکن آثار موجود بعضاً به تخیل می‌گراید.

اثر حاضر سعی دارد با شناسایی و طبقه‌بندی طلسم و تعویذهایی که در مصر باستان به کار برده می‌شدند، اطلاعاتی مفید را به مخاطب درباره

اعصار کهن و باورها و عقاید رایج در آن دوره عرضه نماید. مؤلف کتاب همچون دیگر مستشرقین بر پارادایم علمی دنیای مدرن متکی است. لذا تبیین وی تحت این پارادایم صورت می‌گیرد نه بر اساس روح حاکم بر ادوار کهن مصر. یکی از ویژگی‌های شرق کهن، رمزگرایی است که در همه مراتب هستی طبیعی و صناعی و دیدگاه و نگرش انسانی حاکم بوده است. حقیقت رمز نیز بر اساس تناظر میان مراتب هستی شکل گرفته است. یعنی هر مرتبه پایین‌تر نمود مرتبه بالاتر و از حیث وجودی دارای ضعف وجودی است. پس هر چه دانی به عالم بالا و هم مانع و رادع آن یا به عبارت دیگر هم حضور حقیقت بالاتر و هم حجاب آن حقیقت است. مانند دری که هم می‌توان از آن عبور کرد و هم پشت آن ایستاد. لذا توصیه می‌شود پژوهشگران و دانشورانی که این اثر را به عنوان منبع و مأخذ به کار می‌گیرند، وجوه هستی‌شناختی و آگاهی‌شناختی ریشه‌ای این آثار را نادیده نگیرند.

به لطف ترجمه دانشورانه استاد فرهیخته و پژوهشگر فرزانه سرکار خانم دکتر رقیه بهزادی، اینک این اثر در دسترس محققین پارسی‌زبان قرار گرفته است. مترجم اثر خود از اساتید مجرب عرصهٔ مطالعات آثار دوران کهن، افسانه‌ها و باورهای میتولوژیک است که تسلط و آشنایی وی به زبان‌های باستانی، این اثر را از یک ترجمهٔ صرف، به یک تحقیق علمی والا ارتقاء داده است. تا آنجا که آگاهی نگارنده سطور اجازه می‌دهد بیش از حد کتاب ارزنده از سرکار خانم دکتر رقیه بهزادی در دسترس جامعه علمی کشور قرار دارد. از پیشگاه حضرت حق جل و علی مزید توفیقات و دوام استفاضه دانشوران و پژوهشگران را از آثار و افاضات ایشان خواهانیم.

ایرج داداشی
استادیار گروه فلسفه هنر
دانشکده علوم نظری و مطالعات
عالی هنر
دانشگاه هنر تهران